

وقتی که ماجرای ۴ ترقه به دیوانعالی کشور می‌کشد!

گردیده و تقاضای طرح موضوع را در هیأت عمومی دیوانعالی کشور به منظور ایجاد رویه واحد نموده است. درخواست مذکور توسط معاون محترم قضایی دیوانعالی کشور در اجرای ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری جهت اقدام مقتضی به دادرسی دیوانعالی کشور ارسال گردیده است و با مطالبه پرونده‌های مربوطه خلاصه جریان آنها به شرح ذیل معروض می‌گردد.

۱- در پرونده کلاسه ۲۷۷/۵۰۰ش شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی گنبد: آقای اسلام روستاییان فرزند علیرضا به اتهام نگهداری چهار عدد ترقه تحت تعقیب محاکم عمومی شهرستان مینودشت قرار گرفته و شعبه دوم دادگاه عمومی مینودشت رسیدگی به اتهام را در صلاحیت دادگاه انقلاب اسلامی تشخیص و به

طول می‌کشد، بی‌اختیار دچار حیرت می‌شود و نمی‌داند بخندد یا بگریزد!

ذکر این موضوع ضروری است که دادگاه‌های نامبرده شده در متن زیر و همچنین دیوانعالی کشور به وظایف قانونی خود عمل کرده‌اند، و لذا ایراد و اشکالی بر کار آنها وارد نیست. ایراد و اشکال به ساختار دادگستری، ماهیت قوانین و کسانی است که آن ساختار و این قوانین را به کشور و مردم تحمیل کرده‌اند. پرونده وحدت رویه زیر همچنین نشان می‌دهد وقتی قوانین غیرشفاف و بدون طی مراحل کارشناسی تهیه شود، تا چه حد ایجاد ابهام و دردسر می‌کند. در واقع وقت و هزینه‌ای که صرف بررسی پرونده زیر شده، هزینه‌ای است که ما از این بابت می‌پردازیم و متأسفانه نظیر این‌گونه قوانین مبهم، چند پهلو و گیج‌کننده در کشور ما بسیار است و تا زمانی که برای اصلاح آنها اقدام نشود ما با نظایر این ماجرا فراوان دست به گریبان خواهیم بود.

●●●
پرونده وحدت رویه ردیف: ۲۰/۷۸ هیأت عمومی.

حضرت آیت‌الله محمدی گیلانی ریاست محترم دیوانعالی کشور با عرض سلام و تحیت احتراماً به استحضار عالی می‌رساند: در تاریخ ۷۸/۶/۲۲ آقای دادرس علی‌البدل دادگاه انقلاب اسلامی حوزه گنبد طی شرحی به عنوان ریاست محترم دیوانعالی کشور به ضمیمه فتوکپی آراء صادره از شعب دوم و چهارم دادگاه‌های تجدیدنظر استان گلستان اعلام داشته از سوی شعب مذکور در موارد مشابه آراء متفاوت صادر

بیش از نیم قرن است که ایران و مردمش از یک نظام اداری و قضایی پیچیده، حجیم و غیرکارا رنج می‌کشند، در این دوره طولانی بارها، و هر بار چند صباحی، تب انقلاب اداری و اصلاح ساختار قضایی کشور دیوانسالاران را فرا گرفته و بعد، خیلی زود، فروکش کرده است. در مورد نظام قضایی، آخرین تب و تاب مربوط به تغییر ساختار دادگستری، اجرای قانون دادگاه‌های عام، حذف دادرس‌ها، تغییر آیین دادرسی و... بود. وقتی این به اصطلاح اصلاحات را به اجرا گذاشتند، علی‌رغم هشدارهای کارشناسانه قضات قدیمی، حقوقدانان و وکلای کارگشته، رییس وقت قوه قضاییه و همکارانش با نادیده گرفتن هشدارها و زینهارها، وعده دادند دادگستری چنان اصلاح خواهد شد که رسیدگی به پرونده‌ها به روز می‌رسد و دادگستری ایران مایه رشک دادگستری کشورهای پیشرفته خواهد شد!

آن قانون به اجرا درآمد، اما نه تنها مشکلی را حل نکرد، بلکه مشکل بر مشکل افزود، تا جایی که وقتی رییس جدید قوه قضاییه کار خود را شروع کرد و از واقعیت‌های جاری در دادگستری آگاه شد، با صراحت اعلام کرد که یک دادگستری مخروبه را به ارث برده است!

در این دادگستری است که موضوع نکه داشتن تعدادی ترقه از سوی افراد (در یک مورد فقط ۴ ترقه) سبب اختلاف محاکم عادی و انقلاب می‌شود. کار به شعب محاکم تجدیدنظر هر دو گروه دادگاه‌های عام و انقلاب می‌کشد، و چون این دادگاه‌ها نمی‌توانند به نتیجه‌ای یکنان برسند، موضوع به دیوانعالی کشور کشانده می‌شود و سرانجام پس از طی یک مسیر طولانی، وقت‌گیر و هزینه‌ساز این نتیجه حاصل می‌شود که داشتن ترقه مشمول ماده یک قانون «تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح - مصوب ۱۳۵۰» نیست و این نوع پرونده‌ها باید در دادگاه‌های عمومی مورد رسیدگی قرار گیرد!

متن کامل پرونده وحدت رویه مربوط به این ماجرا را بی‌هیچ توضیحی در زیر می‌آوریم. موضوع به خودی خود آن قدر واضح - و در عین حال متناظرکننده - است که ارائه هیچ توضیح اضافی را ایجاب نمی‌کند. خواننده با مطالعه این متن، و با یادآوری این موضوع که رسیدگی به یک پرونده عادی در شرایط کنونی گاه چند سال

خدمات فنی رویال

جوش پلاستیک بازسازی و رنگ
انواع لوازم خانگی
پلاستیکی، پتختال و فریزر، کولر گازی
تولید و تعمیر
و کیوم چپ کردن درب فریزر
و پتختال و تعمیر همه نوع لوازم منزل
آماده همکاری با کلیه
شرکت‌های لوازم خانگی
می‌باشند
آدرس: امیر کبیر، خیابان دیالمه
پلاک ۵۲/۲ جنب سوپر بهزاد
کیاشاد: ۳۶۳۴۵

استناد مواد ۳ و ۳۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب قرار عدم صلاحیت خود را به اعتبار صلاحیت دادگاه انقلاب اسلامی گنبد صادر و پرونده را به مرجع مذکور ارسال داشته شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی گنبد نیز به استدلال اینکه این‌گونه اشیا جز مواد منفجره و یا محترقه محسوب نشده و فقط تولید صدا می‌نماید که از جهت ایجاد سر و صدا و مزاحمت قابل پیگیری است؛ مستنداً به ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب قرار عدم صلاحیت به اعتبار صلاحیت محاکم عمومی شهرستان مینودشت صادر و با توجه به حدوث اختلاف در صلاحیت پرونده را جهت حل اختلاف به محاکم تجدیدنظر استان گلستان ارسال داشته که به شعبه دوم دادگاه مذکور ارجاع و به کلاس ۲/۷۸/۶۴ ثبت گردیده است و این دادگاه نیز به موجب دادنامه شماره ۴۹/ش/۲ - ۷۸/۱/۳۰ یا این استدلال که چون علی‌الاصول مواد اولیه سازنده ترقه مواد منفجره و محترقه می‌باشد که به موجب ماده ۲ ناظر به بند ۲ ماده ۱ قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح مصوب ۱۳۵۰/۱۱/۲۶ و بند ۵ ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه انقلاب اسلامی است و اگر تغییر در ساخت آن از حیث کمیت و ترکیب آن ایجاد شود موجب تغییر مرجع رسیدگی نخواهد بود با تأیید صلاحیت دادگاه انقلاب اسلامی گنبد در رسیدگی به جرم معنونه حل اختلاف نموده است.

۲- در پرونده کلاس ۴۴/۷۷/ش شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی حوزه گنبد: آقای علی محمد نوری پور فرزند حاجی به اتهام نگهداری ۸۹ عدد ترقه موشکی و ۶۰ عدد ترقه کبریتی تحت تعقیب محاکم عمومی گنبد قرار گرفته شعبه اول دادگاه مذکور به استدلال اینکه چون خرید و فروش مواد محترقه از جرایم مربوط به قاچاق است و امور قاچاق نیز در صلاحیت دادگاه انقلاب می‌باشد قرار عدم صلاحیت خود را به صلاحیت رسیدگی دادگاه انقلاب اسلامی شهرستان گنبد صادر نموده است. شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی گنبد نیز با عنایت به اینکه مواد مکشوفه ترقه موشکی و کبریتی است که صرفاً ایجاد صدا می‌نماید و قابلیت اشتعال و انفجار نداشته و صرفاً از جهت ایجاد مزاحمت و سر و صدا قابلیت پیگیری را دارد و اصل نیز بر صلاحیت محاکم عمومی است؛ مستنداً به ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب قرار عدم صلاحیت به اعتبار صلاحیت محاکم عمومی صادر و در اجرای ماده ۳۳ قانون مذکور پرونده را جهت

حل اختلاف به محاکم تجدیدنظر استان گلستان ارسال داشته که به شعبه چهارم ارجاع و به کلاس ۷۷/۴۵۷/ش ۴ ثبت گردیده است. این دادگاه نیز به شرح دادنامه شماره ۷۷۰۴/۲۲۸ با این استدلال که صلاحیت دادگاه‌های انقلاب به موجب ماده ۵ قانون دادگاه‌های عمومی و انقلاب و قوانین خاص دیگر احصاء شده صرف‌نظر از اینکه موضوع معنونه جرم می‌باشد یا خیر چون موضوع مشمول ادوات مذکور در ماده ۱ قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح مصوب ۱۳۵۰ می‌باشد با تأیید نظر دادگاه انقلاب و تشخیص صلاحیت دادگاه عمومی گنبد حل اختلاف نموده است. اینک با توجه به مراتب فوق به شرح زیر مبادرت به اظهار نظر می‌نماید.

نظریه: همان‌طور که ملاحظه می‌فرمایید در موضوع صلاحیت رسیدگی به اتهام نگهداری ترقه، شعبه دوم دادگاه تجدیدنظر استان گلستان با این استدلال که چون مواد اولیه سازنده ترقه، مواد منفجره و و محترقه می‌باشد و اگر تغییری در ساخت از حیث کمیت و ترکیب آن ایجاد شود موجب تغییر مرجع رسیدگی نخواهد بود؛ طبق ماده ۲ ناظر به بند ۲ ماده ۱ قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح مصوب ۱۳۵۰ و بند ۵ ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب رسیدگی به اتهام را در صلاحیت دادگاه انقلاب تشخیص داده در حالی که شعبه چهارم دادگاه مذکور بر عکس به استدلال اینکه چون موضوع مشمول ادوات مذکور در ماده ۱ قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات... نمی‌باشد رسیدگی به اتهام را در صلاحیت دادگاه عمومی دانسته و با این ترتیب حل اختلاف نموده است بنا به مراتب چون در موارد مشابه از سوی دادگاه‌های تجدیدنظر استان گلستان آراء متفاوتی صادر گردیده مستنداً به ماده ۳ اضافه شده با قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷ تقاضا دارد دستور فرمایید موضوع در هیأت عمومی محترم دیوانعالی کشور به منظور ایجاد رویه واحد مطرح شود.

معاون اول دادستان کل کشور - حسن فاخری
به تاریخ روز سه‌شنبه ۱۳۷۸/۹/۲۳ جلسه وحدت رویه قضایی هیأت عمومی دیوانعالی کشور به ریاست حضرت آیت‌الله محمد محمدی گیلانی رییس دیوانعالی کشور و با حضور جناب آقای حسن فاخری معاون اول دادستان محترم کل کشور و جناب آقایان، رؤسا و مستشاران و اعضا معاون شعب حقوقی و کیفری دیوانعالی کشور تشکیل گردید.
پس از طرح موضوع و قرائت گزارش و استماع عقیده جناب آقای حسن فاخری معاون

اول دادستان محترم کل کشور مبنی بر: «به موجب ماده یک قانون تشدید مجازات اسلحه و مهمات جنگی مصوب ۲۶ بهمن ماه ۱۳۵۰ وارد یا خارج کردن اسلحه و مهمات جنگی و مواد محترقه و منفجره ممنوع است و در ماده ۲۲ قانون قاچاق اسلحه مرتکبین این نوع قاچاق را مشمول مقررات بند ۲ ماده یک تلقی کرده و در بند ۲ ماده ۱ قانون مزبور بالصرحه مواد محترقه را از جمله قاچاق اسلحه و مهمات جنگی ذکر و برای آن مجازات تعیین کرده است و لذا با عنایت به مراتب مرقوم و تبصره ۵ ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب که رسیدگی به کلیه جرایم مربوط به قاچاق، از جمله این مواد محترقه را در صلاحیت دادگاه انقلاب دانسته، حکم صادره از شعبه ۲ دادگاه تجدیدنظر استان گلستان که بر مبنای این استدلال صادر شد، موجه و مورد تأیید می‌باشد.» مشاوره نموده و اکثریت بدین شرح رأی داده‌اند.

رأی شماره ۶۴۴-۱۳۷۸/۹/۲۳
شماره ردیف: ۲۰/۷۸

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

هرچند که ترقه دارای قابلیت انفجار می‌باشد ولی نگهداری آن دسته از ترقه‌هایی که قدرت انفجارشان در حدی نیست که مشمول مواد منفجره و محترقه اعلامی از طرف وزارت دفاع موضوع تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح مصوب ۱۳۵۰ باشد سبب رعب و وحشت و ایداء مردم شده و یا موجبات تخریب و یا صدمه و آسیب رساندن به افراد گردد؛ از شمول قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح مصوب ۱۳۵۰ خارج است. بنابراین رأی شعبه چهارم دادگاه تجدیدنظر استان گلستان در حدی که با این نظر مطابقت دارد به نظر اکثریت اعضا هیأت عمومی دیوان عالی کشور تأیید می‌شود.

این رأی وفق مساده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری برای شعب دیوانعالی کشور و دادگاه‌های لازم‌الاتباع است.

توضیح اینکه گزارش معاون اول محترم دادستان کل کشور در زمان حکومت ماده ۳ اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری تهیه شده، لکن رأی هیأت عمومی دیوانعالی کشور پس از لازم‌الاجرا شدن قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) و به استناد ماده ۲۷۰ آن قانون صادر گردیده است.

